

نقش عوامل ژئوپلیتیکی بر بیداری اسلامی

ایوب پورقیومی^۱

تاریخ دریافت: ۹۴/۳/۱

تاریخ پذیرش: ۹۴/۹/۱۰

چکیده

در حال حاضر، برای عامل جغرافیا در تحولات سیاسی اجتماعی اهمیت فزاینده‌ای قائل می‌شوند. به همین دلیل در این مقاله ضمن بررسی مفهوم بیداری اسلامی، چرایی وقوع انقلاب‌های اخیر در کشورهای منطقه عربی و اسلامی با تأکید بر عامل مؤثر ژئوپلیتیک تحلیل شده است. جرقة تغییر حکومت در بسیاری از حرکت‌های انقلابی منتهی به بیداری اسلامی در کشورهای عربی-اسلامی خاورمیانه و شمال آفریقا به گونه معناداری با تجمع مردم معترض در یک مکان خاص و بیان خواسته‌های خود برای تغییرات از آن مکان زده شده است. به‌عنوان نمونه میدان التحریر قاهره و میدان لولو(شهدا) در منامه و میدان اصلی صنعا پایگاه اصلی انقلابیون بود و اهمیت ژئوپلیتیک این مکان‌ها قابل توجه است. در لیبی اگرچه به دلیل ساختار اجتماعی و قبائلی شروع اعتراضات از یک محل خاص نبود اما در نهایت ضربه اساسی به قذافی با تحت فشار قرار گرفتن منطقه حکومتی انجام شد. این تحقیق که از نوع کاربردی است با روش تطبیقی انجام شده است. روش تطبیقی دارای انواعی مختلفی است که در این مقاله برای پاسخ دادن به چرایی وقوع انقلاب‌ها از روش اتفاق استفاده شده است.

واژه‌های کلیدی: ژئوپلیتیک، انقلاب، بیداری اسلامی، اعتراض اجتماعی، خاورمیانه، شمال آفریقا.

^۱. نویسنده مسئول و دانشجوی دوره دکتری دانشگاه عالی دفاع ملی

مقدمه

بدون شک توازن و ساختار قدرت در حوزه عربی-اسلامی خاورمیانه و شمال آفریقا به نحوی است که هرگونه تغییر و تحول ساختاری در آن ضمن تأثیرات گسترده درون حوزه‌ای سبب لرزش‌های ژئوپلیتیکی نوینی در سطوح مختلف بین‌المللی می‌شود. بر این اساس با اوج‌گیری قیام‌های مردمی در این حوزه و سقوط زود هنگام برخی از دیکتاتورها، نه تنها تاج و تخت اکثر حکومت‌های عربی لرزان شده است بلکه همگام با سرعت تغییر و تحولات در خاورمیانه و شمال آفریقا و نیز تضعیف شدید جایگاه و عمق راهبرد رژیم اشغالگر قدس، شرایط کنونی حاکی از اضطراب و دگرگونی‌های گسترده در نگرش‌های راهبردی قدرت‌های ذی‌نفوذ نسبت به روند و چشم‌انداز این تحولات است (رشنو، ۱۳۹۰).

یکی از ویژگی‌های مهم منطقه عربی در این برهه زمانی تغییر رژیم و انتقال قدرت و جابجایی حکومت‌هاست. برخلاف دوره سنتی که تغییرات حکومت‌ها عمدتاً از طریق جنبش‌های انقلابی، جنگ داخلی، کودتا و یا جنگ خارجی رخ می‌داد، امروزه جنبش‌هایی بروز می‌کند که مسئله تغییر حکومت‌ها را از راه‌های جدید پی می‌گیرد. یکی از شیوه‌های جدید تغییر نظام سیاسی وقوع سلسه‌وار انقلاب‌های مردمی در کشورهای تونس، مصر، لیبی، یمن و بحرین و آن‌هم غالباً با تجمع مردم در یک مکان ویژه است. حال این سؤال به ذهن متبادر می‌شود که چه عواملی باعث رخداد حوادث مزبور در این کشورها شده است؟ مقایسه زمینه‌ها و شرایط کشورهایی که انقلاب موفق را تجربه کرده‌اند، یک‌راه پاسخ دادن به پرسش‌های رخداد این انقلاب‌ها است. بر اساس مطالعه ادبیات حوزه مطالعات انقلاب پاسخ به پرسش مزبور در حوزه‌های وضعیت عمومی جامعه، وضعیت اپوزیسیون، وضعیت حکومت، تأثیر عامل خارجی و ژئوپلیتیک در موارد مزبور جستجو خواهد شد.

بیان مسئله

پس از ۱۱ سپتامبر و برجسته شدن تهدید گروه‌های تروریستی و حکومت‌های یاغی، امریکایی‌ها با طرح دکترین جنگ پیشدستانه تنها راه مقابله با تهدیدات جدید را پیشگیری و پیش‌دستی و مهندسی اجتماعی و ملت‌سازی در قالب طرح خاورمیانه بزرگ می‌دانستند (امینیان، ۱۳۸۶: ۲۲۱).
عده‌ای تلاش دارند نقش ابزارهای ارتباطی جدید چون ماهواره، اینترنت و فضای مجازی را مهم

جلوه دهند، درحالی‌که این ابزار در همهٔ ۲۲ کشور عربی وجود دارد و مختص به این چند کشور مورد مطالعه ما نیست، پس چرا در سایر کشورها تحول جدی دیده نشد؟ از سوی دیگر باید گفت مگر چند درصد مردم این کشورها به اینترنت و فضای مجازی متصل هستند؟ در کشور بزرگی چون مصر فقط ۱۰ درصد مردم به اینترنت دسترسی دارند و از این میزان پنج تا شش درصد به فیس بوک و تویتر دسترسی دارند (اسداللهی، ۱۳۹۰). پس این نظریه که به دلیل خروج انحصار اطلاعات از دست حکومت به واسطه دخالت فضای مجازی مردم نیازی به رهبر نداشته و خودشان باهم قرار می‌گذاشتند، هم نمی‌تواند قانع‌کننده باشد.

تأکید مکرر مقام معظم رهبری بر بیداری اسلامی و ضرورت توجه به حوادث اخیر در کشورهای اسلامی که دارای ماهیت و تبار اسلامی هستند، وظیفه سنگینی را بر دوش ما می‌گذارد. ایران بازیگری مهم و تأثیرگذار در تحولات منطقه است و چنین بازیگری باید موضع و راهبرد مشخص داشته باشد زیرا چنین چیزی لازمه تحقق خاورمیانه اسلامی به‌عنوان آرمان راهبردی جمهوری اسلامی ایران است. این در حالی است که با صحنه پیچیده‌ای مواجهیم، بازیگران متعددی در میدان حضور دارند و چالش‌های متعددی نیز بین بازیگران منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای وجود دارد. باوجود اینکه ما بازیگر مهمی در منطقه خاورمیانه بوده و خیلی در معادلات این منطقه تأثیرگذار هستیم و وزنه مهمی به شمار می‌آییم، اما مسئله‌ای هست و آن اینکه علل اصلی تحولات اخیر در کشورهای عربی-اسلامی خاورمیانه و شمال آفریقا به‌خوبی روشن نیست و این مسئله موجب دوگانگی و ابهام در مواضع برخی مسئولان شده است و در نتیجه در سیاست خارجی ما نیز تأثیر خواهد گذاشت. بنابراین، نیاز است تا این تحولات موشکافی شود و با مذاقه بیشتر مورد مطالعه و بررسی قرار گیرند تا بینش ما را به آینده تحولات منطقه عمیق‌تر و از غافلگیری در قبال این‌گونه پدیده‌ها جلوگیری کند.

اهمیت و ضرورت تحقیق

انجام این تحقیق در شرایط فعلی هم دارای اهمیت علمی (نظری) است و هم عملی (کاربردی). عدم شناخت صحیح از علل واقعی بیداری اسلامی در منطقه عربی و اسلامی، دارای آثار سوء و پیامدهای منفی است و شناخت و درک صحیح از آن‌ها فرصت‌های قابل توجهی را فرا روی جمهوری اسلامی ایران قرار می‌دهد.

ضرورت و اهمیت این تحقیق در این است که عدم شناخت صحیح از علل واقعی تحولات

منطقه‌ای ممکن است که به برخورد سلیقه‌ای، مقطعی و یا تاکتیکی منجر شود و در نتیجه گزینش راهبردهای لازم در قبال تحولات با مشکل روبرو شود، و هزینه‌های زیادی را بر ایران تحمیل کند و در دسترسی به اهداف تأخیر ایجاد نماید. بنابراین، انجام این پژوهش به دلیل وابستگی و همبستگی تحولات منطقه با امنیت و منافع ملی جمهوری اسلامی ایران قابل توجه و اهمیت است. علاوه بر این مواردی را که در چارچوب اهمیت و ضرورت می‌توان ذکر کرد عبارت‌اند از:

۱- تأکید مقام معظم رهبری بر مسئله بیداری اسلامی و ضرورت توجه به این حادثه بزرگ در سطح منطقه و جهان و ضرورت واکاوی علمی آن.

۲- سیاست‌های برتری طلبانه آمریکا و موقعیت ویژه این کشور پس از فروپاشی شوروی، به‌ویژه بعد از حادثه یازده سپتامبر و قرار گرفتن خاورمیانه و جهان اسلام در کانون توجه سیاستمداران این کشور از یک سو و ارتقا جایگاه جمهوری اسلامی ایران در منطقه و جهان از سوی دیگر و تقابل این دو بازیگر و دیدگاه‌های آن‌ها با توجه به تفاوت‌های ماهوی آن‌ها، از جمله ضرورت‌های پرداختن به این موضوع است.

۳- اهمیت جمهوری اسلامی ایران و تأثیر آن در شکل‌دهی ساختار روابط بین‌الملل و نقش تعیین‌کننده آن در تعاملات منطقه‌ای و بین‌المللی به‌ویژه پس از بیداری اسلامی اخیر در منطقه و توجه ملت‌های به پا خاسته در جهان اسلام به الگوی حکومت اسلامی در ایران، نیازمند جستارهای علمی و راهبردی در این عرصه است.

۴- ارتباط خاص سرنوشت آینده منطقه از جمله فلسطین اشغالی، بحرین، یمن، مصر، تونس، لیبی و امنیت ملی و منافع ملی ج.ا.ا. بر اهمیت و ضرورت این مطالعه می‌افزاید.

هدف تحقیق

هدف اصلی این تحقیق شناخت علل بیداری اسلامی در منطقه عربی-اسلامی و ویژگی‌های مشترک تحولات در کشورهای هدف است و سؤال اصلی پژوهش این است که علل بیداری اسلامی در منطقه عربی-اسلامی چیست و ویژگی‌های مشترک تحولات در کشورهای هدف کدام‌اند؟

لذا بر همین اساس فرضیه به دنبال این نکته است که دیدگاه‌ها و دغدغه‌های اسلام‌گرایانه،

گسترش دموکراسی به‌ویژه مردم‌سالاری دینی در ایران، وجود رژیم‌های دیکتاتور و وابسته به استکبار، عدم احساس مسئولیت در قبال مسئله فلسطین، جریحه‌دار شدن غرور، عزت و کرامت انسانی مردم، محرومیت گروه‌های مهم از مشارکت در دولت، عوامل اقتصادی و عامل ژئوپلیتیک در وقوع بیداری اسلامی موثرند.

و این تحقیق در راستای این فرضیه از نوع کاربردی با روش تطبیقی بهره می‌گیرد.

مشکلات جوامع عربی و چاره‌جویی غرب: در سال ۲۰۰۰ پس از آنکه دکتر «ریمایا خلف هنیدی» به سمت معاون دبیر کل سازمان ملل و مسئول برنامه‌های این سازمان در خاورمیانه منصوب شد، برای درک درست وضعیت موجود در خاورمیانه و شناخت صحیح نیازها و مشکلات، کمیته‌ای مشورتی متشکل از روشنفکران و کارشناسان عرب تشکیل شد. در این کمیته برای اولین بار تفاوت‌های فاحش بین گزارش‌های رسمی و واقعیت موجود در بخش‌های مختلف روشن شد. بنابراین، این کمیته تلاش کرد گزارشی واحد و جامع از وضعیت توسعه انسانی در منطقه خاورمیانه ارائه دهد. در گزارش این کمیته به مشکلات چهارگانه‌ای در خاورمیانه اشاره شد که سه مورد آن‌ها داخلی است و یک مورد نیز ریشه در خارج دارد. مشکلات داخلی عبارت‌اند از: فقدان آزادی، وضعیت نامناسب زنان و سطح پایین تحقیقات و آموزش؛ مشکل خارجی هم آثار سلبی ناشی از اشغال فلسطین توسط رژیم صهیونیستی بر جهان عرب است. با توجه به این گزارش، ژنرال پاول وزیر امور خارجه سابق آمریکا در ۲۲ آذرماه ۱۳۸۱ در بنیاد هریتیج در یک سخنرانی، طرح آمریکا برای خاورمیانه بزرگ و علل آن را اعلام کرد. وی ضمن بیان شرایط و اهمیت منطقه خاورمیانه و اوضاع سیاسی و نظامی آن به بیان چالش‌های موجود در مقابل آمریکا و سیاست‌های آن در غرب آسیا پرداخت و طرح را در دو محور اقتصادی و سیاسی تشریح کرد.

آمریکا به‌منظور دستیابی به اهداف فوق طرح را در سه سطح دنبال کرد:

۱- **ملت‌سازی:** تغییر بافت جمعیتی و الگوی فرهنگی؛ ۲- **کشور سازی:** تغییر در نقشه جغرافیایی منطقه؛ ۳- **دولت سازی:** در چهارچوب منطق قدرت و در راستای «رسالت تغییر حکومت‌ها» (زروندی، ۱۳۸۲: ۱۹۵)

تهاجم نظامی به افغانستان و عراق و ساقط کردن طالبان و صدام، آغاز مرحله اول طرح خاورمیانه بزرگ، یعنی دولت سازی در منطقه خاورمیانه قدیم را معنا بخشید و حضور آمریکا در عراق، آغاز

طرح کلان آمریکا برای خاورمیانه بود (امینان، ۱۳۸۳: ۹). آمریکایی‌ها درصدد بودند با ساقط کردن دولت‌های شرور، دولت‌های همراه با خود را جایگزین آن‌ها نمایند. اما دیری نگذشت که متوجه شدند پروژه دولت‌سازی نه تنها به شکل‌گیری و روی کار آمدن دولت‌های همسو نمی‌انجامد، بلکه فرصتی را برای اسلام‌گرایان فراهم می‌سازد تا با استفاده از آن، به صورت دموکراتیک، از نردبان قدرت بالا روند. پیروزی احزاب و گروه‌های اسلام‌گرا و مخالف سلطه غرب در انتخابات‌های کشورهای مختلف منطقه، موفقیت حزب‌الله در انتخابات پارلمانی لبنان و مشارکت در دولت این کشور، پیروزی حماس در فلسطین و... از یک سو طرح خاورمیانه بزرگ آمریکا را در اولین گام خود با مانع بسیار بلندی روبه‌رو ساخت و از سوی دیگر بیداری اسلامی را در منطقه رقم زد و این مهم نه تنها با اهداف و راهبردهای خاورمیانه‌ای نظام سلطه مغایرت دارد، بلکه منافع آنان را نیز به خطر انداخته است. به همین دلیل با تغییر در تاکتیک خود، طرح خاورمیانه جدید را با برنامه-ریزی حمله رژیم صهیونیستی به حزب‌الله لبنان طراحی کردند (پورقیومی، ۱۳۸۶: ۹۹-۱۱۸).

مفهوم و ماهیت بیداری اسلامی

برخی از صاحب‌نظران حوزه جامعه‌شناسی سیاسی، تغییر سیاسی را معادل تغییر در ترتیبات قدرتی حاکم بر جامعه تلقی و آن را به چهار دسته کلی تقسیم کرده‌اند. مبنای تقسیم‌بندی آن‌ها را عواملی مانند نوع و میزان شرکت‌کنندگان در تغییر، میزان سازمان یافتگی و برخورداری از رهبری و همچنین میزان اثرپذیری از ایدئولوژی و آرمان‌های سیاسی تشکیل می‌دهد. بر این اساس، دسته اول تغییرات را می‌توان توطئه‌های سازمان‌یافته نامید و منظور از آن، تغییرات به‌دقت طراحی‌شده‌ای همچون کودتا است که طی آن‌ها، عده‌ای معدود از نخبگان که اغلب به قدرت سیاسی نیز دسترسی دارند، بدون بهره‌گیری از نیروی توده‌ها و به‌طور ناگهانی، ترتیبات قدرتی حاکم را تغییر می‌دهند. دسته دوم را آشوب می‌نامند و منظور از آن، ناآرامی‌های اجتماعی و اغتشاشاتی است که کمترین برخورداری از سازمان‌یافتگی، رهبری و ایدئولوژی را دارد، دسته سوم را می‌توان انقلاب نامید و منظور از آن حرکت‌هایی سیاسی است که با تکیه بر ایدئولوژی یا هر آرمان سیاسی دیگری، با تکیه بر توده‌های جامعه و با محوریت رهبر یا رهبران نظم سیاسی مستقر را تغییر می‌دهند و

در نهایت دسته چهارمی را نیز می‌توان ذکر کرد که در ادبیات مربوط عمدتاً با عنوان شورشگری شناخته می‌شود که ترکیبی از ویژگی‌های کودتا و انقلاب را در خود جمع کرده است؛ یعنی هم ویژگی سازمان‌یافتگی و برنامه داشتن کودتاها را در خود دارد و هم تکیه بر آحاد جامعه و بهره‌گیری از نیروهای اجتماعی را (حسینی، ۱۳۸۸: ۱۱-۱۲).

با توجه به آنچه در بالا در مورد انواع تغییرات سیاسی گفته شد گونه پنجمی را هم باید اضافه کرد و آن تهدید نرم است. تهدید نرم می‌تواند هدفی را دنبال کند که معادل با تغییر سیاسی به مفهوم تغییر ترتیبات قدرتی حاکم بر جامعه باشد اما همه این‌ها فقط یکسر طیف را تشکیل می‌دهد و سر دیگر طیف تغییر سیاسی تعدیل رفتاری حکومت است. تأکید بر این ویژگی اهمیت زیادی دارد چون دریچه جدیدی را برای شناخت پدیده تهدید نرم و متمایز ساختن آن از تغییرات سیاسی به معنای تحولات صرفاً داخلی می‌گشاید و این همان جنبه خارجی تهدید نرم است. این ویژگی باعث می‌شود که پدیده تهدید نرم به موضوعی در حوزه سیاست بین‌الملل و روابط خارجی تبدیل شود و بنابراین به جای تلاش برای شناخت تهدید نرم به عنوان تغییری داخلی و قرار دادن آن در عداد تحولاتی همچون کودتا یا انقلاب باید آن را در بستر سیاست‌های استعماری و تلاش یک دولت برای اعمال نفوذ در رفتار یا امور داخلی دولت‌های حریف انجام می‌دهد بازشناخت. (همان)

بیداری اسلامی به دلیل تأکید بر بسیج اجتماعی و برخورداری از ایدئولوژی و آرمان به انقلاب‌ها نزدیک می‌شود اما به دلیل نداشتن رهبری از آن متمایز می‌شود، و به همین دلیل (تأکید بر بسیج اجتماعی و برخورداری از ایدئولوژی و آرمان) از شورشگری جدا می‌شود. به دلیل مشارکت قابل توجه مردمی و تلاش برای بهره‌گیری از گروه‌های اجتماعی ناراضی و همچنین عدم ساماندهی توسط عده‌ای محدود از نخبگان که به قدرت سیاسی دسترسی دارند، از پدیده‌هایی همچون کودتا متمایز می‌شود، به خاطر برخورداری از سازمان‌یافتگی از آشوب جدا می‌شود و به خاطر غیراستعاری بودن و عدم دخالت دولت خارجی برای اعمال نفوذ در رفتار یا امور داخلی دولت‌های حریف، متفاوت از تهدید نرم است.

منظور از بیداری اسلامی سلسله حرکت‌های مردمی است که علیه حکومت‌های دیکتاتور در کشورهای اسلامی-عربی خاورمیانه و شمال آفریقا به وجود آمده و یا به فروپاشی آن‌ها و روی کار آمدن زمامداران جدید منجر شده یا در حال ادامه و پیشروی است.^۱

بیداری اسلامی و تحولات بنیانی منطقه عربی و اسلامی از پدیده‌های مهم و تأثیرگذار در منطقه جنوب غرب آسیا و شمال آفریقا و در مجموع در جهان اسلام و در مرحله بعد در کل جهان است. این پدیده کم‌نظیر دارای ریشه‌ها، علل و ویژگی‌هایی است که آگاهی از آن‌ها برای تمامی انسان‌ها، به‌ویژه افراد بصیر، بیدار و آزاده ضروری است. مقام معظم رهبری نخستین کسی بود که واژه «بیداری اسلامی» را پس از مطرح‌شدن «خاورمیانه جدید» از سوی امریکا، آن‌هم در اثنای جنگ ۳۳ روزه لبنان، طرح نمودند (شکیبایی، ۱۳۸۹) و پس‌از آن هم در خلال فرمایشاتشان بارها آن را به کاربردند. پس از وقوع انقلاب‌های اخیر در کشورهای اسلامی جنوب غرب آسیا و شمال آفریقا نیز ایشان ریشه این تحولات را بیداری اسلامی دانسته و بر آن تأکید فرمودند.

در فرمایشات مقام معظم رهبری در ابتدای سال ۱۳۹۰ در حرم امام رضا (علیه السلام)، علل و ویژگی‌های این حرکت به‌روشنی ترسیم شد. ایشان ویژگی‌های مهم این پدیده را در حضور مردم در صحنه و گرایش و جهت‌گیری دینی حرکت مردم و علت آن را جریحه‌دار شدن غرور، عزت و کرامت انسانی مردم، و آن را مشابه حضور مردم در انقلاب اسلامی ایران می‌دانند و اهمیت آن را در بی‌توجهی مردم به دعوت‌های همیشگی روشنفکران و علت اهمیت را در ناتوانی احزاب، پشت‌میزنشین‌ها و تحلیل‌گران ذهنی در آوردن مردم به صحنه و باز شدن گره‌ها بادل، نیت و همت مردم بیان فرمودند.

^۱- در زمان نگارش این سطور این حرکت انقلابی در تونس، مصر و لیبی به سقوط حاکم انجامیده (البته هنوز بقایای رژیم‌های سابق بطور کامل از قدرت کنار نرفته‌اند)، در بحرین توسط رژیم آل خلیفه و با کمک ارتش عربستان و چند کشور عربی سرکوب شده اما اعتراضات همچنان ادامه دارد و حرکت انقلابی یمن روندی رو به جلو دارد.

مقام معظم رهبری شواهد گرایش و جهت گیری دینی حرکت مردم را برگزاری نمازهای جمعه و جماعت، وجود نام خدا و حضور علمای دین، مبلغان و بنیان گذاران تفکر نوین دینی در متن حرکت بیان فرمودند. ایشان جنایات حکومت مصر به نیابت از رژیم صهیونیستی، در مواردی چون بستن مرز غزه و کمک به محاصره و ایجاد دیوارهای حائل فولادی در مرز آن را مصادیق بارز جریحه دار شدن غرور، عزت و کرامت انسانی مردم مصر به دست حاکمان و همچنین جریحه دار شدن غرور ملت لیبی پس از جمع آوری امکانات هسته‌ای توسط حکومت این کشور، به بهانه استفاده از مشوق‌های غربی را علت مهمی در بیداری اسلامی در این دو کشور ذکر نمودند و مشاهده مقاومت مسئولان ایرانی در برابر تهدیدات غرب را دلیل برانگیزاننده‌ای در وقوع انقلاب‌ها ذکر فرمودند.

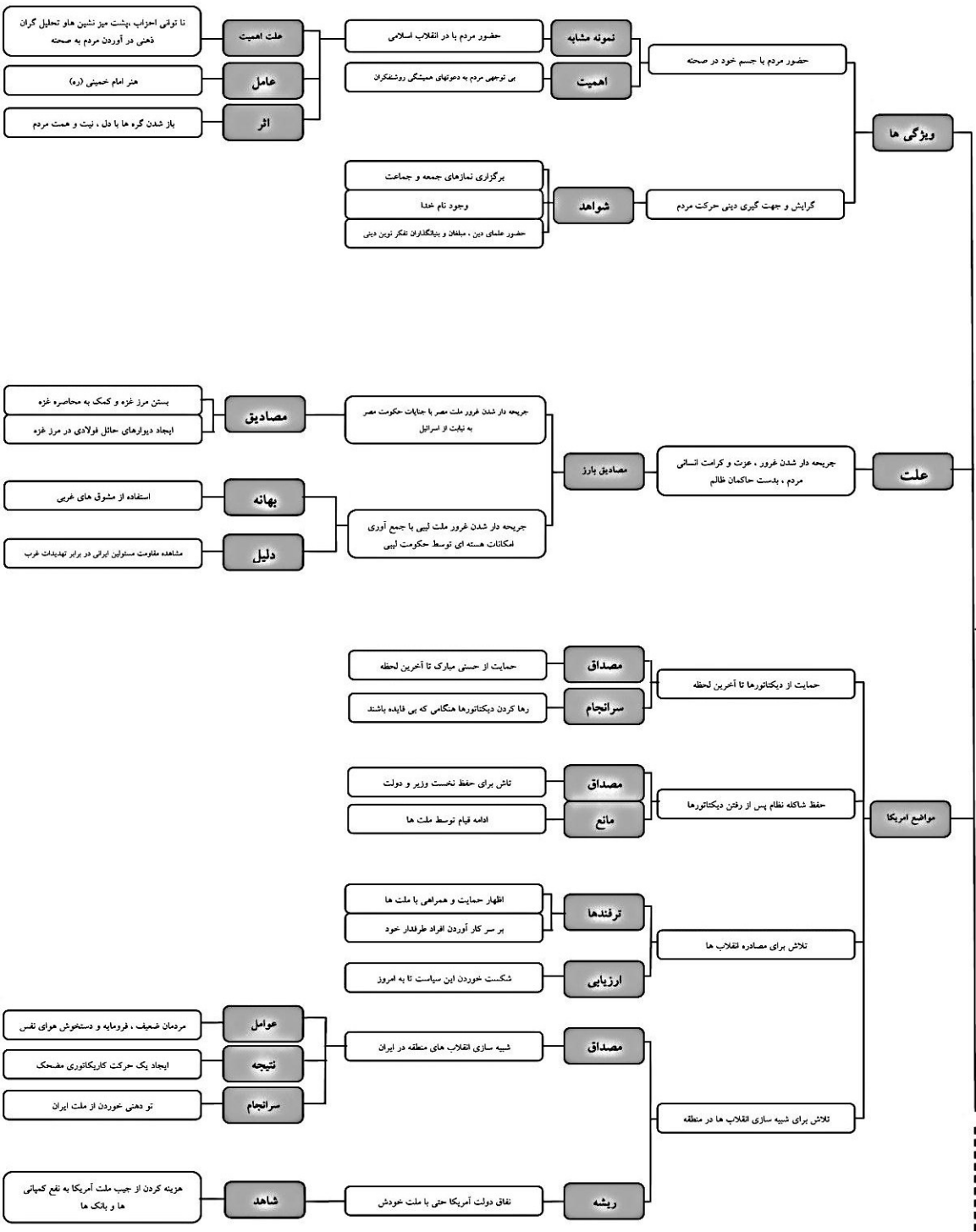
مقام معظم رهبری در تبیین مواضع امریکا در برابر این تحولات، حمایت از دیکتاتورها تا آخرین لحظه، رها کردن آنان در هنگامی که بی‌فایده باشند، حفظ شاکله نظام پس از رفتن دیکتاتورها و بر سرکار آوردن افراد طرفدار خود و تلاش برای مصادره انقلاب‌ها با ترفندهایی چون اظهار حمایت و همراهی با ملت‌ها را سیاست این کشور دانستند. و از سوی دیگر به تلاش امریکا برای شبیه‌سازی انقلاب‌ها در منطقه از جمله در ایران به وسیله عوامل ضعیف، فرومایه و دست‌خوش هوای نفس اشاره و آن را شکست‌خورده ارزیابی نمودند.

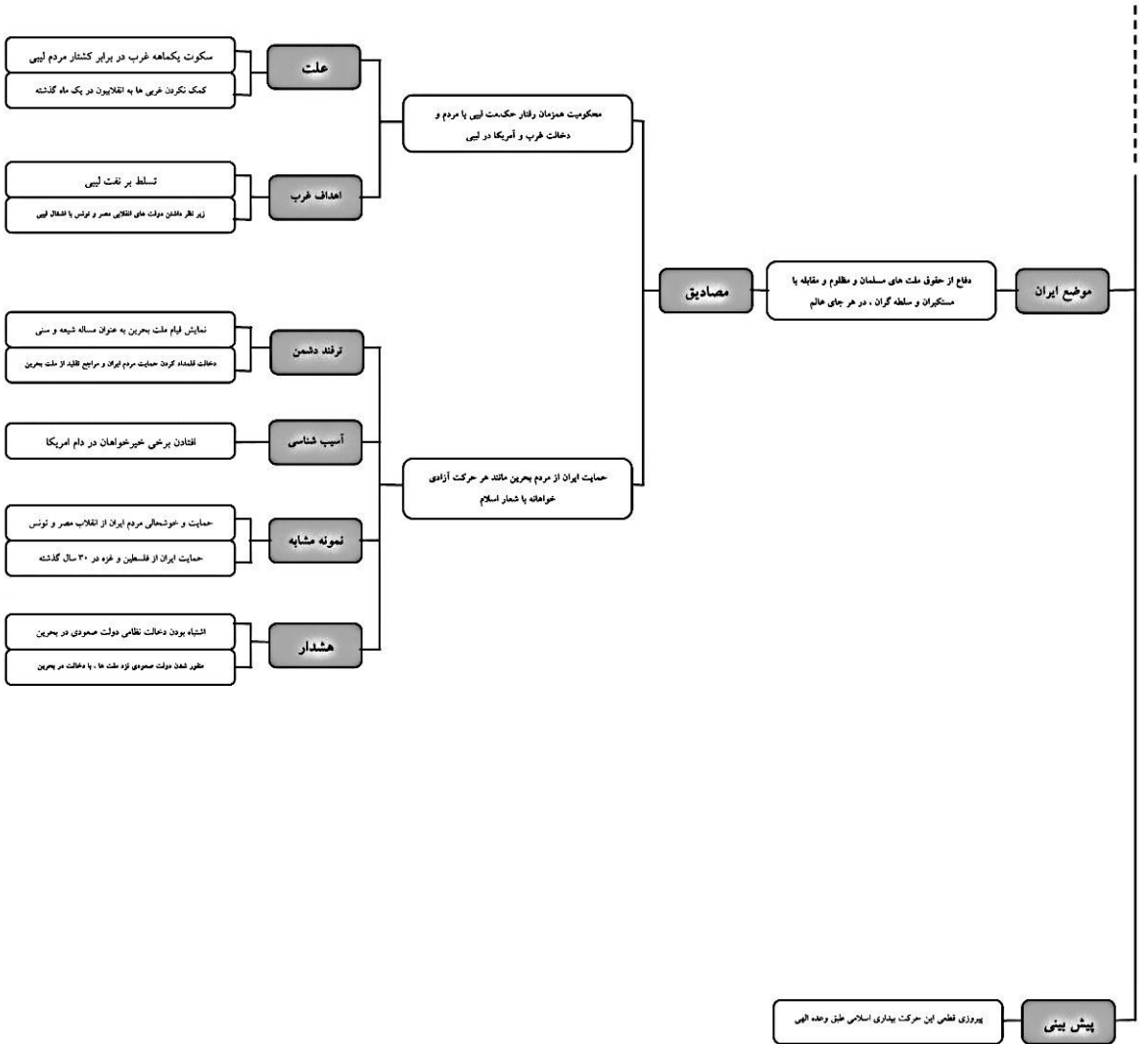
ایشان در تبیین موضع ایران نیز دفاع از حقوق ملت‌های مسلمان و مظلوم، مقابله با مستکبران و سلطه‌گران در هر جای دنیا و حمایت از هر حرکت آزادی‌خواهانه با شعار اسلام را سیاست ایران می‌دانند و پیروزی قطعی حرکت بیداری اسلامی طبق وعده الهی را پیش‌بینی فرمودند. ایشان در سخنرانی خود در سالگرد رحلت امام «ره» نیز سه شاخص عمده مشترک در حرکت کشورهای اسلامی بودن، مردمی بودن و ضد امریکا و ضد صهیونیست بودن دانسته و همین سه ویژگی را ملاک همراهی ایران با حرکت‌های جدید دانستند.

بیداری اسلامی و تحولات بنیانی منطقه عربی و اسلامی

مطرح‌شده در بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در حرم مطهر رضوی - ۱۳۹۰/۱/۱

بیداری اسلامی و تحولات بنیانی در منطقه عربی و اسلامی





عناصر اساسی این پدیده که آن را از دیگر انواع تحولات سیاسی مشابه جدا می‌سازد، برشمرد. بر این مبنا ویژگی‌های زیر را می‌توان به‌عنوان مهم‌ترین عناصر اصلی و ممیزه بیداری اسلامی ذکر کرد:

۱- عامل ژئوپلیتیک (استفاده از مکان خاص به‌عنوان فرصتی برای بسیج توده‌ای)

جرقه تغییر حکومت در اکثر انقلاب‌های منتهی به بیداری اسلامی در کشورهای عربی-اسلامی جنوب غرب آسیا و شمال آفریقا به گونه معناداری با تجمع مردم معترض در یک مکان خاص و بیان خواسته‌های خود برای تغییرات از آن مکان زده شده است. به‌عنوان نمونه میدان التحرير قاهره و میدان لولو(شهدا) در منامه و میدان اصلی صنعا پایگاه اصلی انقلابیون بود و اهمیت ژئوپلیتیک این مکان‌ها قابل توجه است. تأثیر این تاکتیک تا جایی بود که رژیم بحرین میدان لولو را تخریب کرد تا بلکه بتواند این حرکت مهم مردمی را خنثی نماید. اصرار معترضان به تداوم تجمع اعتراضی در میدان التحرير در نهایت به سقوط مبارک انجامید و پس‌ازاین حادثه بازهم این میدان محل پیگیری خواست‌های اساسی انقلابیون است. در لیبی اگرچه به دلیل ساختار اجتماعی و قبایلی شروع اعتراضات از یک محل خاص نبود اما در نهایت ضربه اساسی به قذافی با تحت فشار قرار گرفتن منطقه حکومتی انجام شد. در یمن میدان اصلی صنعا تأثیر زیادی در سازمان‌دهی تجمعات اعتراضی ایفا نمود. برای آشنایی بیشتر با پیشینه و دلیل اهمیت، نقش و تأثیر این مکان‌ها در ادامه دو میدان مهم التحرير و لولو مورد بررسی بیشتر قرار می‌گیرند.

از سوی دیگر، بستراسلی این تحولات بر موجی گسترده از بیداری اسلامی قرار گرفته است تا با تکیه بر مبانی ارزشی و اعتقادی اعم از مردمی بودن، دموکراسی خواهی و استبداد ستیزی زمینه‌های لازم را برای حکومت‌هایی منشعب از علائق ارزشی و اسلامی در کشورهای این حوزه فراهم کند. علاوه بر این رشد و سرعت گسترش این تحولات همگام با فراگیری فناوری رسانه‌ای و به‌ویژه بهره‌برداری از فضاهای مجازی در قالب شبکه‌های اجتماعی و ارتباطات اینترنتی که بیانگر ژئوپلیتیک اینترنت است، امکان اطلاع‌رسانی سریع و بهینه را در میان طیف‌ها و لایه‌های گوناگون جوامع به‌خصوص از سوی نسل‌های جوان فراهم می‌کند و از منظر سیاسی و دیپلماتیک نیز ملت‌های منطقه را به بازیگرانی مؤثر در سیر تحولات و تعاملات راهبردی تبدیل نموده است

به نحوی که ضمن پشتیبانی مؤثر و مشارکت گسترده جوانان عملاً سبب پایداری معترضین در پیگیری مطالبات جامع برای نسل‌ها و سطوح مختلف در این جوامع شده و دگرگونی اساسی در شیوه‌ها و سیستم‌های حاکمیتی موجود را به امری الزامی تبدیل نموده است. در صورت تحقق و گسترش چنین حاکمیت‌هایی که عملاً هم‌تراز با خط سیر مقاومت اسلامی و به‌ویژه همگام با الگوی نظام سیاسی جمهوری اسلامی در ایران است، می‌توان گفت که مجموعه تعاملات منطقه‌ای و به‌ویژه در سطوح نظام بین‌المللی این حوزه با غرب دست‌خوش دگرگونی‌ها و تحولات ژئوپلیتیکی فراوانی می‌شود که مسلماً تأثیرات متقابل و زود هنگام این فرآیند بر جایگاه و عمق راهبردی رژیم اشغالگر قدس کاملاً پیش‌بینی پذیر است. به گونه‌ای که از هم‌اکنون لرزش‌های ژئوپلیتیکی آن به خصوص در کشور مصر و پایداری مردم این کشور بر لغو معاهدات راهبردی با رژیم صهیونیستی و نیز شتاب گسترده بین‌المللی برای شناسایی رسمی کشور فلسطین در سازمان ملل، مسائل مهمی هستند که ضمن بی‌هویتی و سلب مشروعیت منطقه‌ای رژیم صهیونیستی، سبب اضطراب گسترده‌ای در میان حاکمان رژیم صهیونیستی و حامیان غربی این رژیم شده است. با این شرایط است که پیگیری و اجرای راهبرد جنگ نرم و گسترش بی‌نظمی‌های هدفمند با ترفندهای متعدد و متناسب با شرایط و اوضاع متفاوت داخلی هر یک از کشورهای این حوزه برای هدایت برنامه‌ریزی شده قیام‌های مردمی به سرعت در دستور کار آمریکا و بقایای حکام وابسته قرار گرفته است. شاکله اصلی این راهبرد بر محور تجزیه در مجموعه مبانی ژئوپلیتیکی کشورهای هدف قرار گرفته است که مشتمل بر کلیه امور داخلی و خارجی و در ابعاد سیاسی، جغرافیایی، حقوقی، اقتصادی، اجتماعی و ایدئولوژیکی آنان است. اهداف مهم و اولویت‌دار این راهبرد عبارت‌اند از:

۱- انجام اقدامات گسترده و متنوع برای ممانعت از هرگونه تصمیم‌گیری مردمی و اجماع عمومی و یا به عبارتی دیگر کنترل و هدایت برنامه‌ریزی شده هرگونه تحرک اجتماعی و مصادره قیام‌های مردمی،

۲- حفظ امنیت و تقویت منافع رژیم صهیونیستی،

۳- استمرار سیطره بر منابع نفتی مناطق خاورمیانه و شمال آفریقا و نیز تسلط بر کلیه مجاری و مسیرهای تولید، توزیع و مصرف منابع انرژی که ضمن رویکردهای اقتصادی باهدف ایجاد تعادل راهبردی در مناطق حساس و حوزه‌های نفوذ سایر قدرت‌های بین‌المللی از جمله برای مقابله با چین صورت می‌گیرد،

۴- جذب منابع مالی دول عربی نفت‌خیز با ترفندهای متعدد از قبیل ایران هراسی و ایجاد اضطراب

در میان حکام مستبد باهدف فروش گسترده تسلیحات نظامی که جهت ممانعت از فروپاشی نظام اقتصادی غرب صورت می‌گیرد (رشنو، پیشین).

بنابراین، از آنجاکه در نگرش‌های راهبردی قدرت‌های غربی، منطقه شمال آفریقا به‌مثابه حیات خلوت ژئوپلیتیکی و سد نفوذ حوزه اروپای مدیترانه‌ای محسوب می‌شود و منطقه خاورمیانه عربی نیز حیات خلوت و حوزه نفوذ ژئوپلیتیکی رژیم اشغالگر قدس است، اولویت اساسی برای تأمین بهینه منافع مشترک و راهبردی قدرت‌های غربی در فرآیند تحولات مناطق شمال آفریقا و خاورمیانه عربی بر کنترل هدفمند خیزش‌های عمومی بوده تا با ممانعت از هرگونه اجماع و تصمیم‌سازی مردمی و ضمن تغییر نقش و بازبینی در رویکردهای ژئوپلیتیکی، بسترهای لازم را برای تثبیت حضور بیش‌ازپیش خود فراهم نمایند.

۲- مسالمت‌آمیز بودن

یکی از ویژگی‌های بارزی که موجب تمیز بیداری اسلامی از انقلاب‌های کلاسیک می‌شود، مسالمت‌آمیز بودن بیداری اسلامی است. شیوه مبارزه انقلابی‌ها با حکومت در این انقلاب‌ها مبتنی بر شیوه مبارزه غیر خشونت‌آمیز است که از طریق به‌کارگیری تاکتیک‌هایی چون حضور اعتراضی در میدان‌ها و خیابان‌ها اجرا شده است.

۳- مشارکت توده‌ای

در انقلاب‌های برخاسته از بیداری اسلامی مانند انقلاب‌های کلاسیک و انقلاب‌های رنگی توده‌های مردمی نقش فعالی دارند و گروه‌های مخالف که بخشی از جمعیت را بسیج می‌کنند، خارج از بلوک قدرت قرار دارند. اما تفاوت آن با انقلاب‌های رنگی در این است که اگر نماد انقلاب‌های کلاسیک گیوتین و نماد انقلاب‌های رنگی «میز مذاکره» (جلایی پور، ۱۳۸۱: ۵۷) و «رقابت انتخاباتی» (افتخاری، ۱۳۸۵: ۲۶-۳۳) بود، نماد بیداری اسلامی اخیر تجمع توده‌های مردمی خارج از قدرت و غیر وابسته به احزاب حکومتی است. این مشخصه مانند انقلاب‌های کلاسیک است که در آن‌ها «گروه‌های مخالف که بخشی از جمعیت را بسیج می‌کنند، خارج از بلوک قدرت قرار

دارند». (بشیریه، ۱۳۸۳) ضمناً شباهتی به کودتا که در آن گروه‌ها و افرادی از درون حکومت مبنای تغییرات اند، (حاجیان و حیدری، ۱۳۸۷: ۷۰)، ندارد.

۴- میزان تغییرات

در حال حاضر نمی‌توان در این مورد اظهار نظر قطعی کرد. اگر در بیداری اسلامی تغییر حاکم به تغییر در مناسبات طبقاتی و ساختارهای قدرت بینجامد، شبیه انقلاب حقیقی است ولی اگر تغییر رژیم هیچ تغییری در مناسبات طبقاتی و ساختارهای قدرت در کشورهای دست‌خوش تغییرات به وجود نیاورد، بلکه تنها باند نوین، جایگزین باند حاکم سابق شود، به هیچ وجه نمی‌توان تحولات این کشورها را در حد انقلاب‌های اجتماعی به حساب آورد. بلکه در آن صورت تغییرات حادث در این کشورها به تغییرات ناشی از انقلاب‌های مخملی، کودتاهای نظامی و یا انقلاب‌های سیاسی شباهت دارد که در آن «هیئت حاکم جدید جایگزین هیئت حاکم قدیم می‌شود و در برخی سیاست‌ها تغییراتی ایجاد می‌گردد». (همان: ۷۰-۷۱).

۵- نقش عامل خارجی

عامل خارجی در وقوع انقلاب‌های سنتی عموماً به صورت غیرمستقیم تأثیرگذار است. در انقلاب‌های مخملی نقش عامل خارجی زیاد است و معمولاً مدیریت آن را بر عهده دارد. تجربه‌های موجود نشان می‌دهد که حمایت‌های رسانه‌ای، سیاسی و مالی خارجی به صورت مؤثری در انقلاب‌های مخملی وجود داشته است. بدین صورت که ایده اعتراض مدنی، تأثیرگذاری و چگونگی توجیه این حرکت توسط منابع و کانون‌های خارجی تبلیغ و ترویج شده است. حتی در پاره‌ای از موارد نیروهای معترض توسط عوامل خارجی آموزش داده شده‌اند (افتخاری، ۱۳۸۵: ۲۴). اما در خصوص انقلاب‌های اخیر در منطقه عربی نمی‌توان به صراحت از نقش عوامل خارجی سخن گفت. برعکس شواهدی وجود دارد که این مسئله را تا حد زیادی رد می‌کند. اما تأثیر عامل خارجی به این صورت که ترویج دموکراسی و مردم‌سالاری در جهان توانسته ذائقه مردم

کشورهای منطقه عربی را متوجه خودش نماید، بی‌تردید در این انقلاب‌ها مؤثر بوده است. انقلاب اسلامی ایران به‌منزله الگوی مردم‌سالاری دینی از یک‌سو و به‌مثابه و نماد بیداری و مقاومت در مقابل افزون‌طلبی‌های استکبار و اشغالگری‌های رژیم صهیونیستی یکی از عوامل خارجی مؤثر در رویداد بیداری اسلامی بوده است.

تحلیل تحولات کشورهای عربی - اسلامی خاورمیانه و شمال آفریقا

بر اساس چارچوب تحلیلی فراهم‌شده برای بررسی بیداری اسلامی در منطقه عربی غرب آسیا و شمال آفریقا بر سه محور اصلی نارضایتی عمومی، وضعیت مخالفان و وضعیت حکومت تمرکز نموده و در هر زمینه چند عامل را بررسی نموده‌ایم.

۱- نارضایتی عمومی

برخی از صاحب‌نظران حوزه جامعه‌شناسی سیاسی، تغییر سیاسی را معادل تغییر در ترتیبات قدرتی حاکم بر جامعه تلقی می‌کنند و آن را به چهار دسته کلی تقسیم کرده‌اند. مبنای این تقسیم‌بندی عواملی مانند نوع و میزان شرکت‌کنندگان در تغییر، میزان سازمان‌یافتگی و برخورداری از رهبری و همچنین میزان اثرپذیری از ایدئولوژی و آرمان‌های سیاسی است. بر این مبنای، دسته اول تغییرات را می‌توان توطئه‌های سازمان‌یافته نامید و منظور از آن تغییرات به‌دقت طراحی‌شده‌ای همچون کودتا است که در آن عده‌ای محدود از نخبگان که اغلب به قدرت سیاسی نیز دسترسی دارند، بدون بهره‌گیری از نیروی توده‌ها و به‌طور ناگهانی، ترتیبات قدرتی حاکم را تغییر می‌دهند. دسته دوم آشوب است و منظور از آن، ناآرامی‌های اجتماعی و اغتشاشاتی است که کمترین برخورداری از سازمان‌یافتگی، رهبری و ایدئولوژی دارد. دسته سوم انقلاب است و مراد از آن حرکت‌هایی سیاسی است که با تکیه بر ایدئولوژی یا آرمان سیاسی، با شرکت توده‌های جامعه و با محوریت رهبر یا رهبران نظم سیاسی مستقر را تغییر می‌دهند. دسته آخر که با عنوان شورشگری شناخته

می‌شود، ترکیبی از ویژگی‌های کودتا و انقلاب را در خود جمع کرده است؛ هم ویژگی سازمان‌یافتگی و برنامه‌دار بودن کودتاها و هم تکیه بر آحاد جامعه و بهره‌گیری از نیروهای اجتماعی که از ویژگی‌های انقلاب است را در خود دارد. (حسینی، ۱۳۸۸: ۱۰)

اولین قدم برای تبیین نظری یک حرکت سیاسی-اجتماعی مانند انقلاب، تبیین ریشه‌های آن است. بر اساس نظریه‌های دموکراتیزاسیون و انقلاب، زمینه‌های بحران و فروپاشی رژیم‌های غیر مردم‌سالار، ریشه در بحران‌های مربوط به نظام اجتماعی و بحران‌های مربوط به دولت دارد، (بشیریه، ۱۳۸۷: ۹۴) که باعث بروز نارضایتی عمومی می‌شود. در نظام اجتماعی نارضایتی عمومی به چند شیوه ایجاد می‌شود: (حاجیانی و حیدری، ۱۳۸۷: ۷۲)

الف) به‌وسیله یک نظام اجتماعی نامتوازن و بی‌تعادل که باعث به وجود آمدن افراد آشفته و سرگردانی می‌شود که پیوندهای اجتماعی آن‌ها گسسته شده است (نظریه جانسون)؛

ب) با فروپاشی و از بین رفتن سازمان‌های سیاسی و اجتماعی واسط و شکل‌گیری جامعه توده‌وار (نظریه آرنت و کورنهورز)؛

ج) از طریق شکاف ایجادشده میان میزان بالا رفتن انتظارات و میزان برآوردن نیازها (نظریه دیویس و گر)؛

د) از طریق فرایند مدرنیزاسیون شتابانی که از فرایند نهادینه شدن پیشی گرفته است (نظریه هانتینگتون).

همچنین در حوزه دولت، بحران‌هایی چون ناکارآمدی، بحران مشروعیت، بحران سلطه یا استیلا و مشکلات اقتصادی و... می‌تواند زمینه‌ساز و باعث توسعه نارضایتی عمومی گردد. اما بدیهی است که روگردانی و نارضایتی به‌تنهایی نمی‌تواند باعث شکل‌گیری کنش انقلابی شود. آن‌ها ابعادی از «وضعیت‌های بحرانی» است که زمینه روان‌شناختی لازم برای «تأثیرپذیری افراد» و «سوق یافتن آن‌ها به سوی جنبش توده‌ای» را فراهم می‌آورد.

در کشورهای عربی-اسلامی خاورمیانه و شمال آفریقا، به علت عدم استقرار نظام سیاسی دموکراتیک، مردم و نخبگان این کشورها موفق به برآورده ساختن نیازهای اساسی جامعه سیاسی خود نشدند. در عین حال، تحولات جهانی، تسهیل در ارتباطات مردمی و آگاهی از تحولات و

پیشرفت دیگر جوامع نیز بر مطالبات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی مردم و نخبگان می‌افزود. در این کشورها مشکلات اقتصادی یا مسائل برآمده از نظام دیوان‌سالاری، در افزایش نارضایتی‌ها نقش داشت؛ به عبارت دیگر، شرایط عینی جامعه، به میزان قابل توجهی تحت تأثیر میزان بهره‌مندی معیشتی قرار گرفت که در نهایت نارضایتی از وضع موجود را در پی داشت.

ظرفیت‌های محدود اقتصادی در کنار سیاست‌گذاری‌های نادرست و ضعف در امور اجرایی در این کشورها موجب شده بود که اغلب این کشورها با مشکلات اقتصادی دامنه‌داری مواجه باشند. البته این‌همه ماجرا نبود.

نظام سیاسی غیر شفاف و ویژگی مشترکی بود که نظام حکومت‌داری در این کشورها را با ابهام مواجه ساخته بود. نظام سیاسی این کشورها تفاوت‌های زیادی با معیارهای مرسوم بین‌المللی دارد. همچنین رفتار حاکمان در قبال مخالفان و تلاش برای حذف آن‌ها و بهره‌گیری از روش‌های غیر مردم‌سالاری برای اداره نظام سیاسی کشور معضل دیگری در این کشورها بود که منجر به نارضایتی سیاسی در این کشورها منجر شد.

مهم‌تر از همه این‌ها دیدگاه‌ها و دغدغه‌های اسلام‌گرایانه مردم، سرخوردگی و احساس تحقیر از قضیه فلسطین و جریحه‌دار شدن غرور، عزت و کرامت انسانی مردم به دلیل همراهی حکام مستبد با سیاست‌های استکباری غرب بود.

۲- وضعیت مخالفان

نارضایتی عمومی هرچند توسط گروه‌های مخالف به سمت تغییر حاکمان هدایت شود، در صورتی‌که رژیم حاکم به اندازه کافی یکدست و کاملاً اقتدارگرا باشد، بعید است که این مخالفت‌ها کارگر بیفتند. (حاجیانی و حیدری، ۱۳۸۷: ۷۴) از این‌رو، توجه به وضعیت حکومت در موفقیت انقلاب‌ها نیز ضرورت دارد.

بروز نارضایتی در همه جوامع و به میزان متفاوت تقریباً امری فراگیر است؛ از این‌رو، نارضایتی به‌خودی‌خود نمی‌تواند به انقلاب منجر شود. در کشورهای دست‌خوش انقلاب، نارضایتی عمومی

که امری سراسری و متراکم است، بر شکاف‌های قومی در این جوامع بار می‌شود و از طریق رهبران این گروه‌ها، علیه دیکتاتورهای حاکم به کار گرفته می‌شود. (همان: ۷۸) در اینجا باید گفت که در تمامی کشورهایی که بیداری اسلامی صورت گرفته است، ملی‌گرایی عامل همبستگی قوی بوده و جنبش اجتماعی توانسته از این طریق تعداد زیادی از مردم را به خیابان‌ها بکشد.

۳- وضعیت حکومت

در رژیم‌های دیکتاتوری نقض معیارهای مردم‌سالاری به صورتی جدی اتفاق می‌افتد، تا اینکه میدان بازی به نفع حاکمان تغییر پیدا کند. فضای جهانی شده و فشارهای هنجاری یا حقوقی عامل خارجی نیز بر وضعیت حکومت تأثیرگذار است. فشار خارجی، هم مانعی در برابر رژیم‌های اقتدارگرای تمام‌عیار است و هم از طریق اعمال فشار بر حکومت در وضعیت انقلابی، باعث تضعیف حکومت می‌شود. همچنین عدم انسجام نیروهای حافظ نظم در جامعه و پیوند ضعیف آن‌ها با حکومت (هانتینگتون، ۱۳۸۱: ۲۱۷) و اقتصاد ضعیف از دیگر عواملی است که حکومت را در برابر انقلاب آسیب‌پذیر می‌سازد. (حاجیان و حیدری، ۱۳۸۷: ۷۵) حکومت در کشورهای عربی-اسلامی خاورمیانه و شمال آفریقا توسط دیکتاتورهای قبضه شده بود که چند دهه در مسند قدرت بودند و به‌هیچ‌وجه حاضر به کناره‌گیری از قدرت نبودند.

علاوه بر این، عامل تأثیرگذار دیگر در موفقیت انقلاب پیوند ضعیف نیروهای امنیتی و پلیس با حکومت است؛ در مصر و تونس روگردانی نیروهای پلیس و نیروهای امنیتی، در نهایت سرکوب مخالفان را توسط دولت ناممکن کرد. تعداد زیاد تظاهرکنندگان و ضعف شدید دولت و نارضایتی نیروهای نظامی و پلیس در این کشورها باعث روگردانی آن‌ها از حکومت شد. وضعیت نامناسب اقتصادی این کشورها و افزایش سطح تحصیلات عمومی نیز در وقوع انقلاب مؤثر بودند.

عامل خارجی نیز از طرق فشار بر حکومت، وقوع انقلاب در این کشورها را تسهیل کرده بود. گرایش حاکمان کشورهای موصوف به حفظ ارتباط با غرب یک اهرم مناسب برای فشار آوردن به این کشورها و جلوگیری از ادامه دیکتاتوری داشت. در مجموع، بر مبنای مباحث مطرح‌شده، تأثیر عوامل مختلف در رخداد انقلاب‌های اخیر در کشورهای هدف را می‌توان طبق جدول زیر خلاصه کرد:

جدول تحلیل مقایسه‌ای تحولات انقلابی کشورهای منطقه عربی و عوامل دخیل در آن

بحرین	یمن	لیبی	مصر	تونس		
+	+	+	+	+	رژیم دیکتاتوری	حکومت
+	+	+	+	+	عوامل اقتصادی	
-	-	+	-	-	فشار سیاسی مستقیم خارجی	
+	+	+	+	+	وابستگی حکام به استخبار	
+	+	+	+	+	عدم احساس مسئولیت در قبال مسئله فلسطین	
+	+	+	-	-	جدیت و تلاش ارتش برای بقای حکومت	
+	+	+	+	+	دیدگاه‌ها و دغدغه‌های اسلامی	وضعیت مخالفان
+	+	+	+	+	ملی‌گرایی	
-	-	-	-	-	گرایش‌های فرهنگی غرب‌گرایانه	
-	-	+	-	-	حمایت سیاسی خارجی	
+	-	+	+	+	رشد سطح تحصیلات	
+	+	+	+	-	عامل ژئوپلیتیک	*
+	+	+	+	+	جریحه‌دار شدن غرور، عزت و کرامت انسانی مردم	نارضایتی عمومی
+	+	+	-	+	بالا بودن نرخ بیکاری	
+	+	+	+	+	محرومیت گروه‌های مهم از مشارکت در دولت	
+	+	+	+	+	تأثیر عامل خارجی (گسترش مردم‌سالاری)	

بررسی اقتصادی تحولات: وضعیت اقتصادی پنج کشور هدف تونس، مصر، لیبی، بحرین و یمن نشان می‌دهد که این کشورها در برخی شاخص‌های اقتصادی مهم و مؤثر مانند تورم وضعیت نسبتاً قابل قبولی دارند. بر این اساس، طبق آمار ارائه‌شده میزان تورم در کشور لیبی ۱۰/۵ درصد، در کشور یمن به میزان ۱۸ درصد، در کشور تونس به میزان ۵ درصد، در کشور بحرین به میزان ۷ درصد و در کشور مصر ۱۸ درصد است. نرخ بیکاری در بحرین ۱۵ درصد، در مصر ۹/۱، در تونس ۱۴/۱، در لیبی ۳۰ و در یمن ۳۵ درصد است. نرخ رشد تولید ناخالص داخلی در بحرین ۶/۱ درصد، در مصر ۶/۹، تونس ۴/۷، لیبی ۶/۳ و در یمن ۳/۲ درصد است. میزان بدهی خارجی در بحرین ۱۰/۵۷ میلیارد دلار، در مصر ۲۹/۲ میلیارد دلار، تونس ۱۹/۲۷ میلیارد دلار، لیبی ۴/۸۳۷ میلیارد دلار و در یمن ۶/۴۷۲ میلیارد دلار است.

جدول شاخص‌های اقتصادی و جمعیتی

میزان تورم (درصد)	میزان بدهی خارجی	نرخ رشد واقعی تولید ناخالص داخلی (درصد)	تولید ناخالص داخلی	نرخ بیکاری (درصد)	جمعیت (نفر)	نرخ رشد جمعیت (درصد)	درصد باسوادی	
۷	۱۰/۵۷ میلیارد دلار	۶/۱	۲۶۷۷ میلیارد دلار	۱۵ (۲۰۰۵)	۷۲۷۷۸۵ (۲۰۰۹)	۱/۲۸۵ (۲۰۰۹)	۸۶/۵	بحرین
۱۸ (۲۰۰۸)	۲۹/۲ میلیارد دلار	۶/۹ (۲۰۰۸)	۴۴۲ میلیارد دلار (۲۰۰۸)	۹/۱	۸۱۷۱۳۵۰ (۲۰۰۸)	۱/۳۸۲ (۲۰۰۸)	۷۱/۴	مصر
۵	۱۹/۲۷ میلیارد دلار	۴/۷	۸۳/۴ میلیارد دلار	۱۴/۱ (۲۰۰۷)	۱۰۳۲۷۸۰۰	۰/۹۸۹	۷۴	تونس
۱۰/۵ (۲۰۰۸)	۴/۸۳۷ میلیارد دلار	۶/۳	۷۸/۷۹ میلیارد دلار (۲۰۰۸)	۳۰	۶۱۷۳۵۷۹	۲/۲۱۶ (۲۰۰۸)	۸۲/۶	لیبی
۱۸	۶/۴۷۲ میلیارد دلار	۳/۲	۵۵/۲۹ (میلیارد دلار)	۳۵ (۲۰۰۳)	۲۳۸۲۲۷۸۳	۳/۴۵۳ (۲۰۰۹)	۵۰/۲ (۲۰۰۳)	یمن

نتیجه گیری

وقوع انقلاب در کشورهای منطقه عربی حکایت از شرایط و ویژگی‌های خاص سیاسی، اجتماعی و اقتصادی حاکم بر این کشورها دارد. اساساً وقوع همه پدیده‌های اجتماعی، از جمله انقلاب‌ها، ناشی از یک مجموعه علل و زمینه‌هایی است که در صورت مهیا شدن این شرایط رخداد آن پدیده نیز ضرورت می‌یابد. در بعد مسائل مربوط به حکومت، عواملی چون وجود رژیم‌های دیکتاتوری، وابستگی حکام به استکبار، عدم احساس مسئولیت در قبال مسئله فلسطین و عوامل اقتصادی به‌اتفاق در تمامی کشورهای مورد بررسی دخالت داشتند. بر اساس بررسی‌های انجام‌شده این نتیجه حاصل شد که اساساً انقلاب‌ها ریشه در نارضایتی عمومی دارد. نارضایتی‌ها خواه واقعی باشد و خواه ناشی از احساس محرومیت؛ خواه ناشی از عملکرد نامناسب نظام سیاسی باشد و خواه برآمده از نظام اجتماعی، چه دارای منبع و منشأ داخلی باشد و چه دارای منبع و منشأ خارجی تقریباً در تمامی جوامع امری فراگیر است؛ از این رو می‌توان استدلال کرد که هرچند نارضایتی در کنار سایر عوامل می‌تواند رخداد انقلاب را تسهیل کند، اما در این ارتباط، عامل تعیین‌کننده نهایی نیست. برای اینکه انقلاب به وقوع بپیوندد، باید مخالفان از قدرت و انسجام کافی برای بسیج توده‌های مردمی و به چالش کشیدن حکومت برخوردار باشند. یکی از عواملی که نقش کاتالیزوری در موفقیت حرکت‌های اعتراضی ایفا نمود استفاده مردم معترض از مکان‌های مهم و مؤثر برای واردکردن فشار بر حکومت بود و این امر بر تأثیر عامل ژئوپلیتیک صحنه گذاشت. عوامل خارجی که با اعمال فشار بر حکومت رژیم سیاسی کشور را در برابر مخالفان بسیار آسیب‌پذیر می‌سازند، جز در کشور لیبی که غرب و ناتو با تعیین منطقه پرواز ممنوع و سپس با دخالت نظامی علیه حکومت قذافی وارد عمل شدند، در سایر کشورها وجود نداشت. ضمن اینکه دخالت عامل خارجی در این کشور بعد از آغاز و تداوم ناآرامی‌ها در این کشور بود. البته در بحرین عامل خارجی دخالت داشت، اما به شکلی دیگر بود، یعنی دخالت نظامی عربستان، امارات و برخی دیگر از کشورهای منطقه برای سرکوب انقلابیون، که آن‌هم بعد از شروع و تداوم ناآرامی‌ها اتفاق افتاد. علاوه بر این، همان‌گونه که از بررسی شرایط کشورهای موصوف به دست می‌آید، شرایط و وضعیت داخلی کشورها نیز در کنار تأثیر سایر عوامل در رخداد انقلاب‌ها بسیار تأثیرگذار است. در این ارتباط عواملی همچون، ملی‌گرایی در جامعه به سبب اینکه امکان بسیج توده‌ها را تسهیل

می‌کند، افزایش سطح تحصیلات عمومی و تمایل مردم به دخالت بیشتر در امور خود از طریق روندهای مردم‌سالارانه، در رخداد انقلاب تأثیرگذار است. در مجموع در مورد عوامل مرتبط با نارضایتی عمومی و عوامل مربوط به وضعیت مخالفان نیز می‌توان گفت که دیدگاه‌ها و دغدغه‌های اسلام‌گرایانه، جریحه‌دار شدن غرور، عزت و کرامت انسانی مردم، محرومیت گروه‌های مهم از مشارکت در دولت و تأثیر عامل خارجی (گسترش دموکراسی، به‌ویژه مردم‌سالاری در ایران) مهم‌ترین عوامل مورد اتفاق در پنج کشور هدف ارزیابی گردید. به‌طور کلی می‌توان گفت که امواج گسترده قیام‌های مردمی در حوزه عربی اسلامی خاورمیانه و شمال آفریقا حاکی از موج گسترده بیداری اسلامی در میان عموم ملت‌ها و نیز دگرگونی‌های متعدد ژئوپلیتیکی در سطوح تعاملات بین‌المللی با کشورهای این حوزه بوده که از یک‌سو ریشه در اقدامات گسترده دیکتاتورهای وابسته‌ای داشته که همواره با سرکوب شدید اسلام‌گرایان تلاش مضاعفی را برای ترویج تفکرات سکولاریستی به کار می‌گرفتند و از سویی دیگر این حرکت‌ها الهام گرفته از فرهنگ مقاومت (جنش‌های اسلامی حماس در فلسطین و گروه مقاومت حزب‌الله در لبنان) و نیز الگوی جمهوری اسلامی ایران است که با تأکید بر سه ویژگی اسلامی، مردمی و استکبارستیزی برای مقابله با حاکمیت‌های دیکتاتوری و احیای شئون اسلامی و انسانی شکل گرفته است.

در پایان بررسی ژئوپلیتیکی تحولات اخیر خاورمیانه برای درک اینکه چرا در مصر حرکت انقلابی به‌سرعت به نتیجه رسید اما در لیبی به شکل نظامی درآمد و چه تفاوتی بین الگوی مصر و تونس با الگوی لیبی و یمن وجود دارد و چرا حکومت‌ها در لیبی و یمن دوام بیشتری آوردند، باید بر بعد ژئوپلیتیکی آن تمرکز کرد. نقش پایتخت‌ها، مکان‌های ویژه در پایتخت‌ها و شهرهای مهم قابل توجه‌اند. نقش مکان‌ها برای فشار بر حکومت‌ها مهم است. ژئوپلیتیک میدان‌های اصلی شهرها قابل تأمل است. کنترل پایتخت از یک میدان یا محل بر ساقط کردن قدرت تأثیر بسزایی دارد (مثل میدان التحریر). مکان‌ها ارزش‌های متفاوتی دارند. همان‌طور که در مصر، بحرین، لیبی و تونس دیدیم، ارزش مکان‌ها در کشورها و شهرهای مختلف باهم متفاوت است. دلیل تخریب میدان لولو منامه همین ارزش ژئوپلیتیکی است. در یمن و لیبی که تجمع اعتراضی بر یک میدان یا یک محل مهم در پایتخت تمرکز نیافت، نتوانست به‌خوبی موفق باشد. در لیبی چون مرکز حفظ شد کاربر انقلابیون سخت شد. در یمن صعده در شمال و تعز در جنوب دست انقلابیون است اما دولت چون صنعا را حفظ کرد دوام آورد. پس ارزش ژئوپلیتیکی پایتخت یا یک مکان خاص مهم است و نکته مهم دیگر اینکه عامل فاصله و موقعیت جغرافیایی مهم و تأثیرگذار است.

منابع و مأخذ

منابع فارسی

- اسداللهی، مسعود، (۱۳۹۰)، سخنرانی در مورد «تحولات اخیر منطقه عربی»، دانشگاه عالی دفاع ملی، دانشکده امنیت ملی، ۱۳۹۰/۴/۲۱.
- افتخاری، اصغر، (۱۳۸۵)، انقلاب رنگی: طراحی چارچوب تحلیلی در انقلاب رنگی و نظام جمهوری اسلامی ایران: تحلیل‌ها و تخمین‌ها، به اهتمام فرزاد پورسعید، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- امینیان، بهادر، (۱۳۸۳)، «امریکا و طرح خاورمیانه بزرگ: اهداف، ابزار و مشکلات»، مجله سیاست دفاعی، شماره پیاپی ۴۸، سال دوازدهم، شماره ۴، تهران: پاییز ۱۳۸۳.
- امینیان، بهادر، (۱۳۸۶)، امریکا و ناتو؛ پایایی و گسترش ناتو و هژمونی امریکا، تهران: موسسه چاپ و انتشارات دانشگاه امام حسین (علیه السلام).
- بوزان، باری، (۱۳۷۸)، مردم، دولت‌ها، هراس، ترجمه و انتشارات، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- پایگاه اطلاع رسانی دفتر مقام معظم رهبری، (۱۳۹۰/۰۵/۱۷) «www.leader.ir».
- پورتال اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران، (۱۳۹۰/۰۳/۳۰) «iccim.ir».
- پورقیومی، ایوب، (۱۳۸۶)، «طرح خاورمیانه جدید؛ اهداف، چالش‌ها و موانع»، مجله سیاست دفاعی، شماره پیاپی ۶۱، سال شانزدهم، شماره ۱.
- پورقیومی، ایوب، (۱۳۸۹)، تأثیر جنگ ۳۳ روزه لبنان بر سیاست خاورمیانه‌ای نومحافظه‌کاران امریکا، چاپ دوم، قم: اعتدال.
- جلایی پور، حمیدرضا، (۱۳۸۱)، جامعه شناسی جنبش‌های اجتماعی با تأکید بر جنبش دوم خرداد، تهران: طرح نو.
- حاجیانی، ابراهیم و مهدی حیدری، (۱۳۸۷)، «تحلیل مقایسه‌ای انقلاب‌های مخملی با توجه به شش جمهوری شوروی سابق»، مجله دانش سیاسی، سال چهارم، شماره اول بهار و تابستان ۱۳۸۷.
- حافظ نیا، محمدرضا، (۱۳۹۰)، «جزوه درسی درس ژئوپلیتیک»، تهران، دانشگاه عالی دفاع ملی.

- حسینی، حسن، (۱۳۸۳)، طرح خاورمیانه بزرگ‌تر، القاعده و قاعده در راهبرد امنیت ملی آمریکا، تهران: موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.
- حسینی، حسین، (۱۳۸۸)، «جنگ نرم؛ از تهدید تا پاسخ»، فصلنامه مدیریت بحران، سال اول، شماره ۳ و ۴، بهار و تابستان ۱۳۸۸ و سایت «www.swar.ir».
- دهشیری، محمد رضا، (۱۳۸۳)، «بررسی مقایسه‌ای راهبرد امنیتی ایالات متحده و اتحادیه اروپایی در خلیج فارس پس از ۱۱ سپتامبر»، مجله سیاست دفاعی، شماره پیاپی ۴۸.
- دوئرتی، جیمز و فالتزگراف، رابرت. (۱۳۷۲)، رویکردهای نظری در زمینه روابط بین‌الملل، ترجمه علیرضا طیب و وحید بزرگی، جلد اول، چاپ اول، تهران: قومس.
- رشنو، نبی‌الله، «بیداری اسلامی از منظر ژئوپلیتیک»، www.tabnak.ir، ۲۶ شهریور ۱۳۹۰.
- زروندی، مهدی، (۱۳۸۲)، «گزارش همایش پژوهشی جنگ سلطه و نظام بین‌الملل»، مجله سیاست دفاعی، شماره پیاپی ۴۲ سال یازدهم شماره ۲، تهران: بهار ۱۳۸۲.
- زمانی، هادی، (Jul2005)، (۱۳۸۷/۰۲/۱۶) «مروری بر عملکرد طرح خاورمیانه بزرگ»، (www.ayandeh.com).
- سایت دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای (مدظله‌العالی)، (۱۳۹۰/۰۶/۱۱) قابل دسترسی در سایت (khamenei.ir).
- سایت موسسه مطالعاتی و تحقیقاتی ایران و آفریقا (آفران)، (۱۳۹۰/۰۳/۳۰) «www.afiran.ir».
- سید افقهی، سید هادی، (۱۳۸۹)، «ریشه‌های تحولات مصر»، در مصاحبه با مجتبی باجلانی، خبرگزاری قدس.
- شکیبایی، مهدی (۱۳۸۹)، «ظهور قدرت جدید حول محور مقاومت»، مصاحبه با خبرگزاری مهر.
- مرادیان، محسن، (۱۳۸۵)، راهنمای جمع‌آوری اطلاعات راهبردی، تهران: مرکز آموزشی شهید صیاد شیرازی.
- مرادیان، محسن، (۱۳۸۸)، تهدید و امنیت؛ تعاریف و مفاهیم، تهران: مرکز آموزشی شهید صیاد شیرازی.
- مشیرزاده، حمیرا، (۱۳۸۴)، تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل، چاپ دوم، تهران: انتشارات سمت.
- منصوری، جواد، (۱۳۸۵)، آمریکا و خاورمیانه، تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.

- هاتینگتون، ساموئل، (۱۳۸۱)، موج سوم دموکراسی در پایان سده بیستم، چاپ سوم، ترجمه احمد شهسا، تهران: انتشارات روزنه.

- یونسین، مجید، (۱۳۸۵)، کتاب خاورمیانه ۵، ویژه اصلاحات در خاورمیانه، تهران: موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.

منابع انگلیسی

- Beissinger, Mark, 2007, "Structure and Example in Modular Political Phenomena: The Diffusion of Bulldozer / Rose / Orange / Tulip Revolutions", Journal of Democracy, No 2, vol. 5
- Goldstone, Jack, 1982, "The Comparative and historical Study of Revolutions", Annual review of Sociology, vol. 8.
- McFaul, Michael, 2007, "Ukraine Imports Democracy. External Influences on the Orange Revolution", International Security, No. 2.